

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۸ خرداد ۱۴۰۰ • ۱۷ شوال ۱۴۴۲ • ۲۹ می ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۴۰۱۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۴

اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

چشواره ساخت آدم‌برفی با هدف ترویج نشاط و شادی در ایستگاه هفت توچال برگزار شد. عکس: فروغ طاهرخانی، باشگاه خبرنگاران جوان



زیر آسمان ایران

نشان «اهدای عضو» روی «کارت‌های ملی»

ایسنا: سرانجام یکی از اتفاق‌های مفید در زمینه فرهنگ‌سازی رخ داد و درج نشان «اهدای عضو» روی «کارت‌های ملی» تصویب شد. این اتفاقی بود که سال‌ها علاقه‌مندان به اهدای عضو و انجمن‌های فعال در این زمینه به دنبال آن بودند که سرانجام پس از هشت سال پیگیری با تصویب دولت این اتفاق افتاد. آن‌طور که دکتر نجفی‌زاده، مدیرعامل انجمن اهدای عضو ایرانیان می‌گوید: «متأسفانه در ایران حدود ۱۰ درصد بزرگسالانمان کارت اهدای عضو دارند، در حالی که این آمار در آمریکا به ۵۶ درصد رسیده است و در انگلیس بیش از یک‌سوم بزرگسالان کارت اهدای عضو دارند؛ زیرا در کشورهای غربی روی گواهی‌نامه درج می‌شود که فرد تمایل به اهدای عضو دارد.



در ایران هشت سال است که پیگیری کردیم تا نشان تمایل به اهدای عضو روی گواهی‌نامه درج شود، اما موفق نشده بودیم. حتی یک بار تا کمیسیون اجتماعی دولت رفت و رد شد. ما مجدداً از طریق وزارت بهداشت، وزارت کشور و راهنمایی و رانندگی اقدام کردیم و با پیگیری دکتر جهانگیری دوباره موضوع در کمیسیون اجتماعی مطرح شد که ما را دعوت کردند و دلایل‌مان را توضیح دادیم. خوشبختانه پذیرفتند و چند روز قبل در هیئت دولت تصویب شد. حتی به این صورت تصویب شد که منتها‌کارت گواهی‌نامه، بلکه در اطلاعات کارت ملی ثبت شود که فرد تمایل به اهدای عضو دارد. قرار است در روزهای آینده این مصوبه ابلاغ شود و بعد باید برای اجرا آن را پیگیری کنیم.

کرونا و شیوع آن سبب ضررهای متعددی شده است، ازجمله کاهش ۵۰درصدی اهدای عضو. مدیرعامل انجمن اهدای عضو ایرانیان با اشاره به کاهش اهدای عضو در جهان تأکید کرد: «متأسفانه کرونا باعث شد آمار اهدای عضو در کل جهان کاهش یابد. البته برخی کشورها بعد از این افت توانستند دوباره اهدای عضویشان را به سطح اولیه یا دوسوم سطح اولیه بازگردانند. در ایران متأسفانه آمار اهدای عضو نصف شد و به حالت عادی هم برگشته است. بر این اساس ما کاهش ۵۰درصدی داشتیم. پیش از این محاسبه کرده بودیم که روزی هفت تا ۱۰ نفر به دلیل نرسیدن عضو پیوندی در لیست انتظار پیوند، فوت می‌کنند. حال تصور کنید که اکنون چند نفر به دلیل نرسیدن عضو فوت می‌کنند. علت هم فقط این نیست که تمام نیروی انسانی و تجهیزات بیمارستانی برای کرونا به کار گرفته شده و در عین حال علت فقط این نیست که مشکل است ثابت کنید که یک اهداکننده کرونا ندارد، بلکه در برخی مناطق به بهانه کرونا آمارمان افت کرده است. البته باید توجه کرد که حتی یک ویروس کرونا می‌تواند فرد پیوندی را از بین ببرد. حدود هفت تا ۱۰ برابر کار تیم‌ها سخت‌تر شده است؛ چراکه باید مطمئن باشند اهداکننده ویروس کرونا را در بدنش ندارد». نجفی‌زاده با بیان اینکه سالانه از سه هزار مورد بالقوه مرگ مغزی مناسب فقط هزار مورد اهدا می‌شود، گفت: «در عین حال ۵۶ واحد اهدای عضو در کل کشور داریم. دو سال قبل هزارو ۷۸ مورد اهدا داشتیم که سال گذشته حدود ۵۰۰ اهدا بود و نشان می‌دهد که آمار بسیار افت داشته است».

حالا بعد از تصویب درج درخواست اهدای عضو روی کارت ملی، به نظر می‌رسد علاقه‌مندان بیشتری می‌توانند در این راه گام بردارند؛ به‌خصوص که گرفتن کارت اهدای عضو یکی از آسان‌ترین کارهایی است که می‌توان انجام داد. در واقع از هر طریقی که کارت اهدای عضو دریافت شود، اعم از دانشگاه‌های علوم پزشکی و... کاملاً معتبر است؛ زیرا کارت اهدای عضو جنبه اطلاع‌رسانی به خانواده دارد. ما در انجمن سامانه مرکزی کارت اهدای عضو به نشانی ehdacenter.ir راه انداختیم. در این سامانه که از تمام کشور قابل دسترسی است، تلاش شده می‌شود و مردم می‌توانند از تمام کشور به آن دسترسی داشته باشند. در عین حال برای آسان‌ترکردن پروسه کاری کردیم که مردم می‌توانند که ملی خود را به شماره ۳۴۳۲ ارسال کنند و در ۳۰ ثانیه لینک کارت اهدای عضو برای افراد ارسال شده و اطلاعاتشان هم در سامانه مرکزی ثبت می‌شود. در عین حال از مردم می‌خواهیم اگر از جاهای دیگر هم کارت گرفتند باز در سامانه مرکزی یا از طریق ارسال کد ملی به شماره ۳۴۳۲ ثبت‌نام کنند تا اطلاعاتشان به صورت سراسری ثبت شود.

www.sharghdaily.ir

شنبه ۸ خرداد ۱۴۰۰ • ۱۷ شوال ۱۴۴۲ • ۲۹ می ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۴۰۱۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۴

اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

چند روزی از فاش‌شدن ماجرای قتل‌های رخ‌داده در خانواده خرم‌دین می‌گذرد. شهرکی آرام در غرب تهران دچار آشفگی و جامعه ایران در شوک و بهت فرو رفته است. این حجم از خشونت و پنهان‌کاری آن هم از سوی والدین خانواده‌ای محترم برای ایرانیان شوکرده به ارزش‌هایی مانند احترام به پدر و مادر، رعایت منزلت سالمندان و درک خانواده به‌عنوان کانون امن زندگی، قابل فهم و هضم نیست. موقعیت اجتماعی و سن قاتلان و قربانیان که همگی از یک خانواده‌بوده‌اند و بازتاب گسترده آن نشان می‌دهد که با یک ماجرای ساده خشونت خانوادگی روبه‌رو نیستیم و باید به ریشه‌ها و ابعاد دیگر مسئله هم توجه کنیم. توجیه والدین در به‌قتل‌رساندن یک داماد، یک دختر و یک پسر خانواده عمدتاً مجازات فرزندان خطاکاران و دفاع از حیثیت خانوادگی عنوان شده است. از شواهد چنین برمی‌آید که پدر به‌عنوان یک نظامی بازنشسته و فردی خورکده به دیسپلین، جنگ‌دیده و متعصب به باوری خاص (طرفداری از شخصیت تاریخی بابک خرم‌دین)، همسری تسلیم و مطیع را کنار خود داشته. این دو در کنار هم، رفتار عزیزان خود را قضاوت کرده، حکم قتل صادر کرده و احکام را هم اجرا کرده‌اند. شاید اگر در زمانه و در جامعه‌ای بسته به سر می‌پردیم، آنها نه به‌عنوان متهمان جنایت، بلکه به‌عنوان افرادی مدافع حیثیت و شرف خانوادگی، مورد ستایش و احترام قرار می‌گرفتند؛ اما در روزگار حاضر قاعده بر قانون و مراجعه به دستگاه‌های تخصصی انتظامی و قضایی حتی برای اختلافات خانوادگی است. در شهرک محل زندگی این خانواده یک شورای حل اختلاف وجود دارد که می‌توانست مورد مراجعه والدین باشد. از آنجایی که چنین اتفاقاتی نادر هستند، نمی‌توان الگویی از علل و انگیزه‌ها ترسیم و بر اساس آن به تحلیل و تفسیر ماجرا اقدام کرد. هر چه هست، باید در چارچوب افراد این خانواده و تأثیرپذیری احتمالی آنها از متغیرهای کلان مانند سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی گفته شود. تحلیل روان‌گوانه و روان‌عصب‌شناسانه باید از سوی متخصصان این حوزه انجام شود و آنها باید به پرسش‌هایی مانند تأثیر ترومای ناشی از تجربیات تلخ بر ذهن و روان پدر خانواده، تعارض نسل‌ها و بیماری‌ها و گرفتاری‌های روانی ناشی از سالمندی

تحلیل

«خانواده‌کشی»

و مسئله آستانه تحمل نهاد اجتماعی

پاسخ دهند. از متخصصان جامعه‌شناسی خانواده هم انتظار می‌رود که اطلاعات و تحلیل‌های خود را درباره خانواده ایرانی بیان کنند و به توضیح عواملی بپردازند که این نهاد بنیادین جامعه ایران را دچار چالش‌ها و مشکلات کرده است. نمی‌توان از تأثیر پیامدهای منفی اوضاع اقتصادی به‌سادگی عبور کرد و از این واقعیت چشم‌پوشید که با وجود افزایش افراد مجرد، مسکن مناسب و قابل استطاعت برای آنها فراهم نیست و شاید از این‌رو به اجبار اقامت در خانواده پدری را پیشه می‌کنند و حضور هم‌زمان و فشرده افرادی با ارزش‌ها و انتظارات متفاوت چه آسان می‌تواند زمینه‌ستیز و خشونت را از هر دو سوی ماجرا فراهم کند. به نظر می‌رسد بیشتر نیازمند مددکاران اجتماعی و مشاوران خانواده هستیم تا مراقبت دائمی و منظم از خانواده‌ها و به‌ویژه سالمندان داشته و به گرفتاری‌ها و مشکلات آنها توجه و در صورت لزوم اقدامات تسکینی، ترمیمی و تعدیلی را توصیه کرده یا انجام دهند. نهاد خانواده را نمی‌توان در دریایی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و مکانی رها کرد و از آن انتظار تاب‌آوری داشت. بی‌توجهی و بی‌تفاوتی به تأثیرات منفی متغیرهای کلان اجتماعی-اقتصادی بر خانواده می‌تواند این نهاد را به جای سازوکاری برای حل مشکلات، بدل به کانون مسئله کند. واقعه تلخ خانواده خرم‌دین می‌تواند زنگ هشدار برای همه ما باشد که به تصور امنیت پولادین خانواده به‌راحتی از کنار مشکلات آن عبور می‌کنیم و توجه لازم را به تخریب و گسستگی تعاملات انسانی در نهادهای اولیه یعنی خانواده، گروه دوستان و محله نداریم. به احتمال نیازمند تغییر برخی هنجارها هستیم، باید اجازه داد تا والدین و فرزندان از مشکلات خود در خانواده با مشاوران و متخصصان گفت‌وگو کنند و با همفکری برای یافتن راه‌حل بکوشند. تذکر جرم‌شناسان و متخصصان خشونت درباره افزایش خشونت‌های خانوادگی و خانواده‌کشی در دهه‌های اخیر باید جدی گرفته شود و زمینه برای طرح روشن مسائل، تدوین سیاست‌ها و برنامه حمایتی فراهم شود؛ باشد که به این طریق مانع از تکرار حادثه تلخ دیگری در چارچوب امن خانواده شد. ایران جامعه‌ای خانواده‌گراست و همواره این نهاد به‌عنوان سپر جتر ایمنی و حمایتی برای افراد متعلق به آن در قبال ناکارآمدی و بی‌کفایتی نهادهای دیگر عمل کرده است. به عبارت دیگر همواره این خانواده بوده که جور کاستی‌ها در جامعه بزرگ‌تر را کشیده؛ اما اکنون به نظر می‌رسد که حجم مشکلات از آستانه تحمل خانواده بسیار بیشتر باشد. نهاد خانواده را درایمیم.

اتفاق

رنگارنگی ایران در باغ فرهنگ یونسکو

زیرا نمی‌توان از جایی آن را به دست آورد. تنوع اقوام و فرهنگ‌ها نعمت خدادادی است. انسان با این سرمایه‌ها زندگی و رشد می‌کند و به بالندگی می‌رسد. خداوند هم فرماید: ارزش شما به نیکویی و تقوای شماست لذا هیچ قومی و هیچ نسل و جمعیتی به دیگری ارجحیت ندارد مگر در اخلاق و فرهنگ و دوستی و مهرورزی و نیکویی».

وزیر علوم ادامه داد: «خیمرمایه زیست و زندگی و شادکامی و آینده و امید در توجه به ریشه‌هاست که بالندگی‌ها را تقویت می‌کند. اگر می‌خواهیم کشوری استوار و نمونه در جوامع فرهنگی داشته باشیم باید فرزندانمان را با این فرهنگ آشنا کنیم و بی‌تردید آنان پاسداران خوبی برای فرهنگ خواهند بود».

وگرنه با کارگاه‌های گرافیک ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ که دانشجویان شکل می‌کشند و به استاد نشان می‌دهند که «استاد خوب شده؟» و استاد می‌گوید «نه هنوز در نیامده»، «یک چیزی کم دارد»، «باید روش بیشتر کار کنی» و ادبیات این چنین بین استاد به دانشجو که ارتباطی شکل نمی‌گیرد، چه برسد به اینکه ارتباطی نگاه شوند. باین‌حال باید پیش از اینها مبانی ارتباطی آموخته شود و دانشجویان پیش از شروع به ساختن تصویرها باید مخاطب بشناسند، باید رسانه بداند و باید پیام را بفهمند و به دور از رومانیتیسیم سطحی فرمالیستی بتوانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

وگرنه با کارگاه‌های گرافیک ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ که دانشجویان شکل می‌کشند و به استاد نشان می‌دهند که «استاد خوب شده؟» و استاد می‌گوید «نه هنوز در نیامده»، «یک چیزی کم دارد»، «باید روش بیشتر کار کنی» و ادبیات این چنین بین استاد به دانشجو که ارتباطی شکل نمی‌گیرد، چه برسد به اینکه ارتباطی نگاه شوند. باین‌حال باید پیش از اینها مبانی ارتباطی آموخته شود و دانشجویان پیش از شروع به ساختن تصویرها باید مخاطب بشناسند، باید رسانه بداند و باید پیام را بفهمند و به دور از رومانیتیسیم سطحی فرمالیستی بتوانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

وگرنه با کارگاه‌های گرافیک ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ که دانشجویان شکل می‌کشند و به استاد نشان می‌دهند که «استاد خوب شده؟» و استاد می‌گوید «نه هنوز در نیامده»، «یک چیزی کم دارد»، «باید روش بیشتر کار کنی» و ادبیات این چنین بین استاد به دانشجو که ارتباطی شکل نمی‌گیرد، چه برسد به اینکه ارتباطی نگاه شوند. باین‌حال باید پیش از اینها مبانی ارتباطی آموخته شود و دانشجویان پیش از شروع به ساختن تصویرها باید مخاطب بشناسند، باید رسانه بداند و باید پیام را بفهمند و به دور از رومانیتیسیم سطحی فرمالیستی بتوانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

سلیقه

گرافیک یا ارتباط تصویری



تورج صابری‌وند

• عنوان اصلی رشته گرافیک در دانشگاه‌های هنر ایران «ارتباط تصویری» است. محتوای این رشته اگرچه کاملاً تصویری است اما هرگز ارتباطی نیست و همان‌طوری‌که در اسم آن هم به‌درستی آمده، در این رشته باید «ارتباطات» تقدم داشته باشد بر «تصویر». یعنی رشته و حرفه گرافیک در ابتدا، «ارتباط» است و اگر از کیفیت این ارتباط بپرسید، کیفیت آن «تصویری» است. فرنگی‌ها هم به آن- Visual Communica- tion می‌گویند. تا اینجا همه‌چیز درست است اما مسئله اینجاست که دانشجویان این رشته چقدر از «ارتباطات» در این رشته و در این چهار سال یاد می‌گیرند؟ نگاهی به یادداشت‌های پیشین با نگاهی به سرفصل‌های آموزشی دانشگاه‌های هنر در این رشته پاسخ می‌دهد که دانشجویان این رشته‌ها هیچ از ارتباطات نمی‌دانند و نمی‌شنوند. همان‌طوری که دانشجویان رشته‌های ارتباطات درس‌هایی مانند «مبانی ارتباطات جمعی»، «مبانی ارتباطات اجتماعی»، «روان‌شناسی اجتماعی»، «رسانه»، «روش‌های بررسی مخاطب» و درس‌های دیگری را که به «ارتباطات» مربوط است به‌عنوان درس‌های پایه می‌خوانند، دانشجویان رشته‌های «ارتباطات تصویری» هم باید چنین درس‌ها و چنین دانش‌هایی را بگیرند تا بتوانند ارتباطات را بفهمند و ارتباطات تصویری را بسازند. دانشجویانی که رویکرد ارتباطی در تصویر را نشانند و حاصل می‌شوند، آدم‌هایی که می‌شنینند در استودیوهایشان، شکل می‌کشند و فقط سعی می‌کنند که ترکیب‌بندی‌های نو و ایده‌های جدید خلق کنند، بی‌آنکه بدانند و متوجه باشند که هدف غایی ارتباط است. حاصل رشته‌های «ارتباطات تصویری» بدون رویکرد ارتباطات و بدون درس‌های تخصصی ارتباطات می‌شوند خود- هنرمند-انگاره‌ایی که خود را هم‌سطح داوینچی می‌دانند اما بیلپورد تبلیغاتی برای شامپو طراحی می‌کنند و چون چیزی از مبانی ارتباطات نمی‌دانند، در طراحی بیلپورد تبلیغاتی برای شامپو همان فرایند ترکیب‌بندی را طی می‌کنند که در طراحی نشانه برای یک چشواره فرهنگی.

اما تأکید دانشگاه‌های هنر در این رشته، بر «تصویر» آن است. رویکرد دانشگاه‌های هنر نباید هم ارتباطات باشد. اینکه نقاشی و گرافیک هر دو از تصویر استفاده می‌کنند، به معنای این نیست که رشته گرافیک هم هنر است و باید در دانشگاه هنر باشد. بودن رشته گرافیک در دانشگاه‌های هنر به این می‌ماند که بگوییم چون روزنامه‌نگاری هم از کلمه استفاده می‌کند و شعر هم از کلمه استفاده می‌کند، پس رشته روزنامه‌نگاری را در دانشگاه ادبیات بگذاریم. با رشته روزنامه‌نگاری چنین نکرده‌اند، با رشته گرافیک و ارتباطات تصویری هم چنین نکرده‌اند.

درس‌هایی مانند مبانی هنرهای تجسمی، تاریخ هنر اسلامی و تاریخ هنر ایران و خطاطی و عکاسی تنها به جنبه‌های تصویری این رشته می‌پردازند که نقد آنها هم در یادداشت‌های پیشین شد؛ اما خود این درس‌ها هم باید با رویکرد ارتباطی نگاه شوند. باین‌حال باید پیش از اینها مبانی ارتباطی آموخته شود و دانشجویان پیش از شروع به ساختن تصویرها باید مخاطب بشناسند، باید رسانه بداند و باید پیام را بفهمند و به دور از رومانیتیسیم سطحی فرمالیستی بتوانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

وگرنه با کارگاه‌های گرافیک ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ که دانشجویان شکل می‌کشند و به استاد نشان می‌دهند که «استاد خوب شده؟» و استاد می‌گوید «نه هنوز در نیامده»، «یک چیزی کم دارد»، «باید روش بیشتر کار کنی» و ادبیات این چنین بین استاد به دانشجو که ارتباطی شکل نمی‌گیرد، چه برسد به اینکه ارتباطی نگاه شوند. باین‌حال باید پیش از اینها مبانی ارتباطی آموخته شود و دانشجویان پیش از شروع به ساختن تصویرها باید مخاطب بشناسند، باید رسانه بداند و باید پیام را بفهمند و به دور از رومانیتیسیم سطحی فرمالیستی بتوانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

وگرنه با کارگاه‌های گرافیک ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ که دانشجویان شکل می‌کشند و به استاد نشان می‌دهند که «استاد خوب شده؟» و استاد می‌گوید «نه هنوز در نیامده»، «یک چیزی کم دارد»، «باید روش بیشتر کار کنی» و ادبیات این چنین بین استاد به دانشجو که ارتباطی شکل نمی‌گیرد، چه برسد به اینکه ارتباطی نگاه شوند. باین‌حال باید پیش از اینها مبانی ارتباطی آموخته شود و دانشجویان پیش از شروع به ساختن تصویرها باید مخاطب بشناسند، باید رسانه بداند و باید پیام را بفهمند و به دور از رومانیتیسیم سطحی فرمالیستی بتوانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

چهره هفته

رئیس کمیته حقوق بشر مجلس با این اظهار نظر چهره هفته «شرق» شد

انتخابات سوریه نمونه دموکراسی است

این هفته نتایج بررسی صلاحیت داوطلبان دوره سیزدهم ریاست جمهوری در شورای نگهبان مشخص و باعث شد بحث انتخابات داغ‌تر از هر زمان دیگری در فضای مجازی و حقیقی پیگیری شود و بیش از سوزه‌هایی مثل قطعی‌های مکرر برق و هشدار بی‌آبی و کرونا دست‌کم در رسانه‌ها مورد توجه قرار گیرد. دست بر قضا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سوریه نیز هم‌زمان با این روزهای انتخاباتی ایران رقم خورد که نتیجه قابل پیش‌بینی پیروزی بشار اسد را برای بار چهارم به‌همراه داشت. انتخابات سوریه با نظارت ایران برگزار شد.

این میان اظهار نظر کاندیداها و هوادارانشان بیش از پیش در رسانه‌ها بازتاب داشته است. ازجمله اینکه خانم لاله افتخاری، نماینده مردم تهران در مجلس دوره‌های هشتم و نهم، به‌صراحت از دیگر کاندیداهاى جبهه اصولگرایی خواست به نفع رئیسی کنار بروند؛ چراکه تصمیم حکیمانه این است. او البته ماندن تا انتهای راه تبلیغات را حق داوطلبان دانست، ولی معتقد است اگر رقبا کنار نروند، باید به حالشان تأسف خورد. سـوی دیگر هم خانم زهره الهیان، دیگر نماینده حوزه تهران در مجلس‌های هشتم و یازدهم و رئیس کمیته حقوق بشر مجلس بود که با اظهار نظر درباره انتخابات سوریه، به یکی از کاندیداهاى چهره هفته روزنامه «شرق» تبدیل شد. او انتخابات سوریه را «نمونه دموکراسی» می‌داند که مردم سوریه به اعتبار آن آینده خود را تعیین می‌کنند. خانم الهیان با این اظهار نظر کوی سبقت را با کسب بیش از ۵۰ درصد آرا از رقیب خود خانم افتخاری ربود و چهره هفته «شرق» شد.



محمود برآبادی

همه جا باشید. دیگر کاری نمی‌توانستم بکنم. نه می‌توانستم بیرونش کنم و نه از دیدنش خوشحال باشم. ناچار باید دوهفته‌ای تحملش می‌کردم تا خودش بگذارد و برود. رختخوابی که همیشه دوستش داشتم و به من آرامش و اطمینان می‌داد، حالا جای کسل‌کننده و آزادنده‌ای شده است. همه چیز طعم و بو و رنگ خود را از دست داده است. همه آن چیزهایی که در من شور و اشتیاق به وجود می‌آورد، حالا دیگر یکنواخت و بی‌رنگ و رونق شده است.

پلک‌هایم را که روی هم می‌گذارم، خطوط مبهم و درهمی از بی‌نهایت می‌آیند و می‌روند. ذهنم را برای لحظاتی درگیر می‌کنند. در هم می‌فشارند و با خود به این سو و آن سو می‌کشانند و تا چشم‌ها را باز می‌کنم، می‌روند تا دوباره بیایند.

استراحت، استراحت، چقدر استراحت؟ حوصله استراحت را هم ندارم. نه کتاب، نه فیلم، نه موسیقی، نه موبایل، نه خبر و نه گفت‌وگو... حوصله هیچ‌کدام را ندارم. بی‌تاب و بی‌حوصله‌ام. نه کاری از دستم برمی‌آید و نه حوصله‌اش را دارم. دلم برای روزهای معمولی، کارهای معمولی و همه چیزهای معمولی لک زده. دلم می‌خواهد غذای معمولی بخورم. لباس معمولی بپوشم. به خیابان بروم و آدم‌های معمولی را ببینم.

دلم می‌خواهد سبزه‌ها، بوته‌ها، درخت‌ها و گل‌ها را بو کنم. نفس عمیق بکشم و عطر همه چیز را تا عمق وجودم حس کنم.

دلم می‌خواهد حوصله داشته باشم مثل قبل کتاب بخوانم. فیلم ببینم. موسیقی گوش کنم. روزنامه بخوانم و خبرها را دنبال کنم. سریال‌های معمولی ببینم و مثل یک آدم معمولی کارهای معمولی انجام بدهم.

چقدر همه چیزهای معمولی خوب است.

چهره هفته

رئیس کمیته حقوق بشر مجلس با این اظهار نظر چهره هفته «شرق» شد

انتخابات سوریه نمونه دموکراسی است

این هفته نتایج بررسی صلاحیت داوطلبان دوره سیزدهم ریاست جمهوری در شورای نگهبان مشخص و باعث شد بحث انتخابات داغ‌تر از هر زمان دیگری در فضای مجازی و حقیقی پیگیری شود و بیش از سوزه‌هایی مثل قطعی‌های مکرر برق و هشدار بی‌آبی و کرونا دست‌کم در رسانه‌ها مورد توجه قرار گیرد. دست بر قضا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سوریه نیز هم‌زمان با این روزهای انتخاباتی ایران رقم خورد که نتیجه قابل پیش‌بینی پیروزی بشار اسد را برای بار چهارم به‌همراه داشت. انتخابات سوریه با نظارت ایران برگزار شد.

این میان اظهار نظر کاندیداها و هوادارانشان بیش از پیش در رسانه‌ها بازتاب داشته است. ازجمله اینکه خانم لاله افتخاری، نماینده مردم تهران در مجلس دوره‌های هشتم و نهم، به‌صراحت از دیگر کاندیداهاى جبهه اصولگرایی خواست به نفع رئیسی کنار بروند؛ چراکه تصمیم حکیمانه این است. او البته ماندن تا انتهای راه تبلیغات را حق داوطلبان دانست، ولی معتقد است اگر رقبا کنار نروند، باید به حالشان تأسف خورد. سـوی دیگر هم خانم زهره الهیان، دیگر نماینده حوزه تهران در مجلس‌های هشتم و یازدهم و رئیس کمیته حقوق بشر مجلس بود که با اظهار نظر درباره انتخابات سوریه، به یکی از کاندیداهاى چهره هفته روزنامه «شرق» تبدیل شد. او انتخابات سوریه را «نمونه دموکراسی» می‌داند که مردم سوریه به اعتبار آن آینده خود را تعیین می‌کنند. خانم الهیان با این اظهار نظر کوی سبقت را با کسب بیش از ۵۰ درصد آرا از رقیب خود خانم افتخاری ربود و چهره هفته «شرق» شد.

